

## نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

### مشهد الشهدا ندایی یزدی و مقایسه آن با روضه الشهداء واعظ کاشفی\* (علمی- پژوهشی)

دکتر حسین کیا

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

وحید قنبری ننیز

دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

#### چکیده

با تاسیس حکومت صفوی در اوایل قرن دهم و رسمیت بخشیدن به مذهب شیعه، گرایش به موضوعات مذهبی در بین شاعران و نویسندگان این دوره افزایش یافت. یکی از این سرایندها، حسین ندایی یزدی است که حماسه‌ای دینی با نام «سیف النبوة» یا «مشهد الشهداء» سروده است. ندایی، شاعر گمنامی است که جز در چند منبع از او یاد نشده است. او معاصر شاه اسماعیل اول صفوی بوده و کتابش را نیز به او تقدیم کرده است. از ندایی جز چند بیت پراکنده و کتاب سیف النبوة اثری در دست نیست. مشهدالشهدا، نظم کتاب روضه الشهداء ملا حسین واعظ کاشفی است. واعظ کاشفی، روضه الشهداء را در سال ۹۰۸ ه.ق نوشته است و ندایی، روضه الشهداء را تقریباً بیست سال بعد، در سال ۹۲۷ ه.ق در بیست هزار بیت به نظم آورده است. این مقاله ضمن گذری بر این دو کتاب و بررسی احوال مؤلفان آن، به مقایسه روضه الشهداء و مشهدالشهدا پرداخته است.

#### واژه‌های کلیدی: واعظ کاشفی، روضه الشهداء، امام حسین (ع)، سیف النبوة،

مشهدالشهدا، مقتل، حسین ندایی یزدی.

## ۱- مقدمه

سال‌های آغازین قرن دهم هجری با تاسیس سلسله صفوی به وسیله شاه اسماعیل اول مصادف است که تاثیر چشمگیری در حیات اجتماعی سیاسی و فرهنگی ایران گذاشت.

شاه اسماعیل در سال ۹۰۷ ق در تبریز به تخت نشست. وی با ایجاد یک حکومت مرکزی، حکومت ملوک الطوائفی را از بین برد. رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع را می‌توان مهمترین عامل این وحدت و یکپارچه سازی دانست. صفویان بیش از دویست سال بر ایران حکومت کردند. اکثر منتقدان از شعر این دوره با عنوان کلی سبک هندی یاد و آن را از ضعیف ترین دوران حیات شعر فارسی محسوب کرده اند و دلیل عمده این عقیده را توجه بیش از حد شاهان صفوی به مذهب تشیع دانسته اند.

دکتر زرین کوب معتقد است: «با طلوع صفویه که مذهب تشیع در دوران آنها ایران را در مقابل تهدید عثمانی‌ها و ازبک‌های اهل تسنن فرصت اعتلا به مرحله دولت ملی داد، سنت‌های شعر هم که در فرهنگ گذشته ایران در مذاهب سنی ریشه داشت مثل سایر شقوق فرهنگ گذشته اهمیت و اعتبار خود را از دست داد و آنچه در دربارهای قدیم اهل سنت از غزنویه تا خوارزمشاهیان و مغول شعر و مخصوصاً قصیده و مدیحه را از لوازم جلال و شکوه دستگاه حکومت می‌دانست در این دوره در دستگاه قزلباش و در نزد فرمانروایانی که خود را غلام شاه ولایت و کلب آستان علی می‌خواندند، با چشم اهمیت تلقی نمی‌شد. (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۱۰۱) سعید نفیسی نیز درباره بی توجهی شاهان صفوی به شعر می‌نویسد «پادشاهان صفوی توجهی به ادبیات نداشتند؛ زیرا همه کوشش آنها متوجه انتشار طریقت شیعه و پیشرفت سیاست مذهبی و بستن سدی استوار در برابر استیلای ازبکان سنی و عثمانیان سنی آسیای صغیر و فراهم کردن تعصب و کینه مذهبی بسیار شدید و دامن‌زدن آتش اختلافات بود و برای این کار تنها به ادبیات عامیانه‌ای احتیاج داشتند که در میان مردم زیر دست و خرده پا فراهم کنند» (نفیسی، ۱۳۶۳: ۲۵۲)

آنچه در دیدگاه های مذکور به چشم می آید، توجه این منتقدان به غزل به عنوان قالب اصلی شعر فارسی است و به دیگر قالب ها مانند مثنوی توجهی ندارند؛ حال آنکه تعداد منظومه ها با موضوعات مختلف در این دوره چشمگیر است. خزانه دارلو در کتاب منظومه های فارسی، بیش از ۹۰۰ منظومه را در این دوره معرفی کرده است.

به هر روی، دو اثر مورد بررسی در این مقاله محصول همین دوران هستند. روضة الشهداء نوشته حسین واعظ کاشفی که از آن به عنوان نخستین مقتل فارسی یاد می کنند و سیف النبوه اثر حسین ندایی یزدی که نظم روضة الشهداء است. از آن جا که ندایی شناخته شده نیست، آرای صاحبان تذکره راجع به زندگی و احوال وی نقل شده و سرانجام به مقایسه دو اثر مذکور پرداخته شده است.

## ۲- بحث

### ۲-۱- ندایی یزدی

ندایی از شاعران شیعی مذهب قرن دهم هجری است که اطلاع چندانی از احوالش در دست نیست. مطالب تذکره نویسان در باب او گاه ضد و نقیض به نظر می آید. او را معاصر شاه اسماعیل اول، شاه اسماعیل دوم، شاه طهماسب و شاه عباس ثانی دانسته اند که از نظر تاریخی نادرست است و این احتمال را به وجود می آورد که شاید دو ندایی در آن دوران وجود داشته و تذکره نویسان شرح احوال آن دو را باهم آمیخته اند.

از شعر ندایی نیز چندان اطلاعاتی به دست نمی آید؛ اما چند نکته را خود به تصریح ذکر می کند از جمله اینکه نامش حسین است:

من حسین نامم و غلام شهم به شهادت نما چو خواجه رهم  
(بیت ۸۸)

و اینکه در یزد می زیسته و معاصر شاه اسماعیل اول بوده و کتاب خود را به دستور او سروده و به همو نیز تقدیم کرده است:

کردم آن را به نام پادشاهی که شکسته به حمله ای سپهی  
حیدر عهد شاه اسماعیل که چو او بت شکن ندیده خلیل  
(بیت ۵۴۵-۵۴۶)

سام میرزا صفوی پسر شاه اسماعیل اول در تذکره «تحفه سامی» نوشته است:  
«مولانا ندایی یزدی به شرف بیت الله حرام مشرف شده در شعر هم طبعش  
بد نیست. روضه الشهدا را نظم کرده این مطلع از اوست:

من شمع جانگدازم تو صبح دلگشایی      سوزم گرت نینم میرم چو رخ نمایی  
(تحفه سامی، ۱۳۸۴: ۲۷۴)

در کتاب جامع مفیدی همین مطلب آمده با این تفاوت که مستوفی بر خلاف  
سام میرزا که می گوید در شعر، طبعش بد نیست معتقد است «در شعر مهارت  
تمام داشته». (جامع مفیدی، ۱۳۴۰، ۳: ۴۶۳)

تقی الدین بلیانی در عرفات العاشقین آورده است: «ندایی منادی معانی،  
ندایی معرف یزدی. در این ازمنه و عصر بوده و ترکیبی خاص داشت و له:

من شمع جانگدازم تو صبح دلگشایی      سوزم گرت نینم میرم چو رخ نمایی  
نزدیک اینچنینم دور آنچنان که گفتم      نه تاب وصل دارم نه طاقت جدایی

دندان و لب تو هر دو با هم      دارند مدام عیش پنهان  
من بعد کمین کنم لب‌ت را      باشد که بگیرمش به دندان

(اوحدی بلیانی، ۱۳۸۸، ۶: ۳۹۴۷).

واله داغستانی در ریاض الشعرا با ذکر منبع مطلب عرفات را تکرار کرده  
است (ریاض الشعرا، ۱۳۸۴، ۴: ۲۲۷۱).

آذر بیگدلی در آتشکده گفته که اصلش از نیشابور بوده اما مدتی در یزد  
توطن داشته و رایت فضیلت افراشته و این بیت را از او دانسته:

به کوی او چو روی پا منه به خاک آنجا      که خاک ره شده بسیار جان پاک آنجا

(آذر بیگدلی، ۱۳۶۶: ۷۱۱)

در تذکره «صحف ابراهیم» از دو ندایی نام برده می شود؛ یکی را با عنوان  
ندایی یزدی آورده و دیگری را مولانا ندایی گفته و اسمش را سلطان محمد ذکر  
کرده که مولودش نیشابور بوده؛ اما به سبب سکونت در یزد او را یزدی نامیده اند

و اضافه کرده که در خدمت جلال الدین دوانی و شمس الدین لاهیجی کسب علم کرده است. بارها به طواف کعبه مشرف شده و به شاه اسماعیل ثانی نزدیک بوده است. دیوانش در حدود سه هزار بیت و مدفئش در یزد است. (علی ابراهیم خلیل، ۴: برگ ۳۵۹).

در تذکره های گنج دانش (ص ۵۲۶) و نگارستان سخن (ص ۱۱۹) او را از موزون طبعان نیشابور دانسته اند و از یزدی بودنش ذکری به میان نیاورده اند و اشعاری که از او نقل کرده اند همان چند بیت مذکور است.

در تذکره روز روشن آمده که از شعرای عصر شاه عباس ثانی و مسقط‌الراس او نیشابور بوده؛ اما در یزد توطن نموده است (مولوی، ۱۳۴۳: ۸۱۰).

اعتمادالسلطنه در مطلع الشمس دو بار از ندایی یاد کرده است؛ یک بار مطلب گنج دانش و نگارستان سخن و بار دیگر مطلب روز روشن را آورده است (صنیع الدوله، بی تا: ۱۸۳)

صاحب تذکره شعرای یزد، عبارات جامع مفیدی را نقل می کند و علاوه بر آن می نویسد: «به روزگار شاه طهماسب صفوی می زیسته. شاه طهماسب و شاه اسماعیل دوم را مدح گفته است. وی، مردی مذهبی بود و پیوسته کارش اینکه چکامه ای تقدیم شاهان صفوی می کرد و صله ای می ستد و راه حج بیت الله پیش می گرفت و سال دیگر باز این کار را تکرار می کرد و این سه بیت را از او دانسته:

|                                    |                                      |
|------------------------------------|--------------------------------------|
| نسبتی با آفتاب طلعتت می داشتی      | داشتی بر چهره گر زلف معبر آفتاب      |
| جلوه کن ای آفتاب حسن تا دیگر ز شرم | بر نیارد سر از این فیروزه منظر آفتاب |
| سرورا تا آفتابم شد ردیف نعت تو     | بر همه سیارگان گردید سرور آفتاب      |

(فتوحی یزدی، ۱۳۷۳: ۴۴)

اردشیر خاضع در «سخنوران یزد» ذیل عنوان ندایی همین مطلب را تکرار کرده است. عبرت نایینی در «مدینه الادب» از سه ندایی نام می برد. یک مورد، تکرار عبارت روز روشن و مورد دیگر تکرار عبارت گنج دانش است و مورد سوم تفاوتی با تذکره شعرای

۲۷۰ / مشهدالشهدا ندایی یزدی و مقایسه آن با روضه‌الشهدای...

یزد ندارد اما تصریح می‌کند که اینها سه شخص متفاوت هستند (مدینه‌الادب، ۱۳۷۶: ۳۱۸).

در تذکره الخوانین میردوستی (برگ ۸۷) و مجمع الشعرا دوری هروی (ص ۱۱۹) از تذکره‌های دوره صفوی غزلی با مطلع زیر به نام ندایی آمده است:  
ساعتی از گریه چشم تر نیاساید مرا      بس که می‌گیرم ز مردم شرم می‌آید مرا  
در کتاب سفینه فرخ دو بیت از او با نام ندایی نیشابوری آمده است. (سفینه فرخ، ۱۳۴۶: ۳۵۷). در تحقیقات معاصرین نیز نامی از ندایی نیست. نفیسی در تاریخ نظم و نثر فارسی در فهرست شاعران گمنام قرن نهم اسم ندایی را آورده است. خزانه دارلو در کتاب منظومه‌های فارسی قرن ۹ تا ۱۲ (خزانه دارلو، ۱۳۷۵: ۵۹۰) ندایی را از روی منظومه اش معرفی کرده است.

ندایی، درخواست شاه را مبنی بر سرودن واقعات امام حسین می‌پذیرد و می‌گوید اصل قصه از روضه‌الشهداست و نام آن را مشهد‌الشهدا می‌گذارد:  
شد چو ذکر شهادت سعدا      نهمش نام مشهد‌الشهدا  
اصل قصه ز روضه‌الشهدا      نقل سازم برای آن عمدا  
زانکه طوطی سبزوار قفس      زده در صدق آن چو صبح نفس  
(ابیات ۶۸۱-۶۷۹)

## ۲-۲- سیف النبوة

ندایی عنوان مشهد‌الشهدا را برای داستان مقتل امام حسین به کار می‌برد و سیف النبوه را برای داستان غزوه‌های پیامبر و امام علی. از اثر ندایی، دو نسخه باقی مانده که یکی بیست هزار دارد که تقریباً نیمی از آن شامل داستان انبیا و ائمه اطهار به خصوص پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) و امام حسن (ع) و حضرت فاطمه زهراست و نیم دیگر، شامل مقتل امام حسین (ع). ندایی، این نسخه بیست هزار بیتی را سیف النبوه نامیده است. نسخه دیگر، تنها ده هزار بیت دارد و فقط شرح مقتل امام حسین (ع) است. مقدمه هر دو نسخه یکسان است؛ با این تفاوت که سیف النبوه چند بیتی در معرفی ابواب کتاب دارد که در مشهد‌الشهدا نیست و

این موضوع، کاملاً طبیعی است؛ زیرا مشهد الشهدا قسمت دوم سیف النبوه، یعنی شرح مقتل امام حسین (ع)، است. تفاوت مشهد الشهدا با قسمت دوم سیف النبوه به جز موارد اندکی در قسمت پایانی این نسخه‌هاست که در سیف النبوه ذکر فرزندان ائمه اطهار آمده، اما بخش پایانی مشهد الشهدا به موضوع خونخواهی امام حسین می‌پردازد و پس از آن زیر عنوان «اتمام کتاب مشهد الشهدا» شاعر چند بیتی آورده و نام کتاب، سال اتمام و تعداد ابیات را آورده است. تعداد ابیات را ده هزار و سال اتمام را ۹۲۷ ق ذکر می‌کند.

### ۲-۳- کاشفی

کاشفی در لب لباب مثنوی اینگونه خود را معرفی می‌کند «حسین بن علی البیهقی الواعظ المدعو بالكاشفی» (کاشفی، ۱۳۷۵: ۱۷). امیر علیشیر نوایی نام او را «مولانا حسین الواعظ» معرفی می‌کند (علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۹۳) تاریخ تولد کاشفی مشخص نیست؛ اما تاریخ وفات او را سال ۹۱۰ ق ذکر کرده اند «چون مقتضای اجل موعود رسید فی سنه عشر و تسعمائه مهر سکوت بر لب زده عالم آخرت را منزل ساخت» (حبیب السیر، ۱۳۳۳، ۴: ۳۳۴).

کاشفی در اکثر علوم زمان خود سرآمد بود. امیر علیشیر درباره فضل و دانش کاشفی چنین می‌گوید «مولانا به غایت ذوفنون و پرکار واقع شده و کم فنی باشد که او را در آن دخلی نباشد؛ خصوصاً وعظ و انشا و نجوم که حق اوست و در هر یک از این کارها وقوفی تمام دارد».

کاشفی بسیار پرکار بوده و در شاخه‌های مختلفی همچون تفسیر، نجوم، کیمیا و اخلاق آثاری از خود به جا گذاشته است. در لغت نامه دهخدا سی و پنج اثر از کاشفی ذکر شده است، بعضی از مهمترین آثار وی عبارتند از:

**اخلاق محسنی**، در حکمت عملی و اخلاق که در سال ۹۰۰ ق به نام ابوالحسن میرزا فرزند سلطان حسین بایقرا تالیف کرده است. **اسرار قاسمی**، در علوم غریبه. **انوار سهیلی**، که بازنویسی داستان‌های کلیه و دمنه است. **بدایع الافکار فی صنایع الاشعار**، در مورد آرایه‌های ادبی. **جامع**

**الستین**، که تفسیر سوره یوسف است. **جواهر التفسیر**، که به نام امیر علیشیر نوایی نوشته است. **رساله العلیّه فی الاحادیث النبویه**، که شرح چهل حدیث نبوی است. **روضه الشهداء** که درباره آن توضیح داده خواهد شد. **فتوّت نامه سلطانی**، در آداب فتوّت. **لبّ لباب مثنوی**، که خلاصه‌ای است از مثنوی مولوی، **مواهب علیه** که تفسیری است که به دستور امیر علیشیر نوایی نوشته است.

یکی از نکات مورد اختلاف درباره زندگی کاشفی مذهب اوست. برخی او را از اهل تسنن و برخی نیز او را از شیعیان می‌دانند. امیر علیشیر نوشته است «مولانا سبزواری است؛ ولیکن از رفض ایشان عاری است و از مذهب باطل ایشان بری، لیکن از تهمت بری نیست» (علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۲۶۸).

#### ۲-۴- روضه الشهداء

در میان آثار کاشفی، روضه الشهداء از جایگاه خاصی برخوردار است و شاید معروف‌ترین و شناخته شده‌ترین اثر او باشد. روضه الشهداء شامل یک پیشگفتار و و ده فصل و یک خاتمه است. فصل اول ابتلا و مصیبت‌های پیامبران را مطرح می‌کند و در انتهای هر بخش، به حادثه عاشورا گریز می‌زند. فصل دوم، جفای قریش و ظلم ایشان نسبت به پیامبر اکرم (ص) است. فصل سوم در مصیبت وفات حضرت رسول، فصل چهارم درباره زندگی حضرت فاطمه زهرا (س)، فصل پنجم در اخبار حضرت علی و شهادت او، فصل ششم در فضایل امام حسن (ع) و احوال وی از ولادت تا شهادت، فصل هفتم در مناقب امام حسین (ع)، فصل هشتم در شهادت مسلم بن عقیل و فرزندان او، فصل نهم در رسیدن امام حسین به کربلا و محاربه با اعدا و شهادت آن حضرت، فصل دهم در شرح مصیبت‌های وارده به اهل بیت امام و سزای مخالفان و قاتلان او. در خاتمه کتاب، فصلی مختصر در انساب ائمه معصوم آمده است.

کاشفی سعی کرده است منابع و مصادر را در نقل روایات ذکر کند؛ اما بنا به گفته عبدالله افندی، اکثر روایات کتاب کاشفی از کتاب‌های غیر مشهور



و غیر قابل اعتماد گرفته شده است (افندی، ۱۴۰۱، ۲: ۱۹۰). حتی گاه اشتباهات فاحش تاریخی در این کتاب دیده می شود از جمله ماجرای دامادی قاسم و ماجرای شهادت هاشم بن عتبه که سال ها قبل از آن به شهادت رسیده بود. در کتاب لولو و مرجان (ص، ۱۹۴) و حماسه حسینی (۴۵/۱) به این اشتباهات اشاره شده است؛ اما با وجود این سستی و ضعف در استناد روایات، روضه الشهداء از همان ابتدا در بین مسلمانان چه سنی و چه شیعه مورد استقبال قرار گرفت تا حدی که اصطلاح و شغل روضه خوانی ایجاد شد (روضات، ۳: ۲۳) به عنوان مثال در تذکره نصرآبادی از دو نفر با نام های کاظم و حافظ محمد حسین نام می برد که کارشان خواندن روضه الشهداء بوده است (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۵۲۲ و ۵۵۴).

این توجه و گرایش به روضه الشهداء را از روی ترجمه های صورت گرفته از آن می توان دریافت. از جمله همین سیف النبوه که بیست سال پس از تالیف روضه آن را به نظم در آورده و چند ترجمه ترکی از این کتاب با نام های حدیقه السعدا از فضولی بغدادی در سال ۹۷۰ق، ترجمه ترکی از حاجی قیصر، در نیمه سده دهم، ترجمه منظوم ترکی از صیقلی که گاه صابر تخلص می کرد، ترجمه ترکی از نشاطی در سال ۹۴۰ق و ترجمه ای به نام سعادت نامه در قرن دهم و ترجمه ای به اردو به نام گنج شهیدان (منزوی، ۱۳۷۶، ۳: ۱۶۶۴) که همگی بیانگر نفوذ و تاثیر گذاری روضه الشهداء در بین مسلمانان است. شاید دلیل عمده این استقبال و توجه مردم به این کتاب، نشر شیوا و تاثیر گذار آن باشد که در قالبی داستانی بیان شده است.

## ۲-۵- مقایسه مشهدالشهدا با روضه الشهداء

ندایی آنچنان که خود گفته مشهدالشهدا را از روی کتاب روضه الشهداء کاشفی به نظم در آورده است:

ندایی در اکثر موارد مطالب روضه‌الشهدا را عیناً نقل می‌کند و تنها ماجراهای فرعی و جانبی را از کتاب کاشفی در کتاب خود نیاورده است و از خود نیز هیچ حکایتی اضافه نکرده است.

ندایی، مشهدالشهدا را که مقتل امام حسین(ع) است بعد از مقدمه مفصلی که در سبب تألیف کتاب نوشته، چنین آغاز می‌کند که پس از شهادت امام حسن(ع) معاویه تلاش می‌کند تا برای پسرش یزید بیعت بستاند؛ به همین منظور به مدینه می‌رود تا از امام حسین(ع) بیعت بگیرد؛ اما امام و سه تن دیگر؛ یعنی عبدالله بن زبیر، عبدالله بن عمر و عبدالرحمن بن ابی بکر بیعت با یزید را نمی‌پذیرند و از مدینه به مکه می‌روند. معاویه نیز از پی ایشان به مکه می‌رود؛ اما در آنجا هم موفق نمی‌شود از ایشان بیعت بستاند و به شام بازمی‌گردد و اندکی بعد از دنیا می‌رود و یزید جانشین او می‌شود و اطرافیان او را تحریک می‌کنند که برای استحکام پایه‌های حکومت باید از امام حسین و آن سه تن دیگر بیعت بگیرد. در روضه‌الشهدا که باب هفتم آن به امام حسین می‌پردازد، قبل از مطلب بالا کاشفی چند صفحه‌ای در ذکر مناقب و فضایل امام آورده است که ندایی به آن توجهی نکرده است؛ اما از این قسمت به بعد تقریباً تا انتهای کتاب محتویات دو کتاب یکسان است حتی ندایی در بسیاری موارد از عبارات و کلمات کاشفی استفاده کرده است.

در ابتدای باب نهم روضه‌الشهدا که رسیدن امام حسین به کربلاست، کاشفی می‌نویسد که جبرئیل در پنج مرتبه پیامبر را از شهادت امام خبر داده بود و هر پنج مورد را ذکر می‌کند که ندایی این موارد را ذکر نکرده است.

وقتی امام عزم رفتن به کوفه می‌کند، ابن عباس بارها مانع رفتن او می‌شود؛ اما امام نمی‌پذیرد. بعد از این مطلب، ندایی می‌گوید که امام به نزد ام‌سلمه می‌رود و با او وداع می‌کند. ام‌سلمه مقداری خاک را که در شیشه‌ای قرار داشت، به امام نشان می‌دهد و می‌گوید که این خاک را پیامبر به او داده و فرموده هرگاه رنگ این خاک سرخ شود زمان شهادت امام حسین‌فرا می‌رسد این مطلب که به حدیث قاروره مشهور است به روایات مختلف در ابتدای روضه‌الشهدا آمده است.

در ذکر ماجرای دعوت از عیدالله حر برای پیوستن به لشکر امام کاشفی می‌گوید که عیدالله بعد از حادثه کربلا دچار عذاب وجدان شد و تأسف بسیار خورد که چرا به امام ملحق نشده بود. ندایی، بخش پشیمانی عیدالله حر را نیاورده است. کاشفی نوشته است زمانی که امام در صحرای کربلا خیمه زد، نامه‌ای به سلیمان بن سرد نوشت و آن را به قیس بن مسهر سپرد. قیس دستگیر شد و نامه را از بین برد. ابن‌زیاد از او خواست یا نام مخاطب نامه را بگوید یا به منبر رفته از امام بدگویی کند. قیس به منبر رفتن را پذیرفت؛ اما وقتی لب به سخن گشود از ابن‌زیاد بدگویی کرد و مردم را به یاری امام فراخواند. این ماجرا نیز در کتاب ندایی نیامده است.

کاشفی در حوادث مربوط به شب عاشورا از جعه نامی یاد می‌کند که به امام می‌گوید که قطره‌ای از آب فرات نخواهی چشید تا هلاک شوی. امام از این حرف او بسیار ناراحت شد و دعا کرد که خدایا او را تشنه بمیران و همین اتفاق نیز افتاد. این مطلب نیز در مشهدالشهدا نیامده است و در ادامه همین مطلب می‌گوید: امام در آن شب به فرزندان مسلم می‌گوید که شما داغدارید از اینجا بروید و منتظر منتقم ما از بنی‌امیه باشید که امام علی در جنگ صفین از آمدن آن منتقم که ابومسلم خراسانی است خبر داده است. ندایی، این موضوع را نیز ندیده گرفته است.

کاشفی درباره حر و پیوستنش به لشکر امام می‌گوید که حر، پدرش را در خواب می‌بیند. پدرش به او می‌گوید که اگر تحمل آتش جهنم را داری برو و با امام حسین مصاف کن. ندایی این مطلب را نیاورده است. کاشفی می‌گوید امام پس از شهادت حر و مصعب برادرش و پسرش، برای اتمام حجت با کوفیان صحبت می‌کند و می‌گوید یکی از این سه پیشنهاد را انتخاب کنید: اجازه دهید نزدیک یزید روم و با او مناظره کنم یا اجازه دهید به مدینه بازگردم و اگر این هر دو نمی‌کنید، مرا و یاران مرا آب دهید. از این موضوع نیز در مشهدالشهدا یاد نشده است.

در روضة الشهداء حادثه به شهادت رسیدن حضرت علی‌اکبر به دو روایت آمده است که ندایی فقط روایت اول کاشفی را آورده است.

در روضه‌الشهدا پس از به شهادت رسیدن به امام حسین(ع) مطالبی آمده است مبنی بر اینکه در روز عاشورا باید بر امام عزاداری کرد و حکایاتی در ثواب گریه برای امام حسین(ع) آورده است. حکایاتی از ریان بن شیب و عمر لیث که به خاطر ماتم و گریه برای امام به درجات عالی رسیده‌اند و نیز حکایت درخت پر بار و عجیبی که همزمان با شهادت امام ناله و زاری از آن به گوش رسیده و خشک و بی‌ثمر شده است. همچنین حکایتی در باب اندوه مرغان که در روز عاشورا خود را به کربلا رساندند و خود را به خون امام آغشتند و این خون از بال آنها می‌چکد و به هر جا که برسد خیر و برکت می‌آورد. هیچکدام از این حکایات در مشهدالشهدا نیامده است.

در روضه‌الشهدا آمده است که بعد از رفتن لشکر عمر سعد از کربلا، اهل عاصریه به کربلا رفته تا اجساد شهدا را دفن کنند؛ وقتی به آنجا رسیدند، جنیان را دیدند که برای شهدا عزاداری می‌کردند. ندایی این نکته را نیاورده و به جای آن ماجرای گناهکاری را آورده است که چون غباری از کربلا بر کفش نشست از عذاب جهنم نجات یافت.

کاشفی می‌نویسد وقتی سر امام حسین(ع) را نزد یزید بردند، شخصی مسیحی به نام عبدالشمس در دربار او حاضر بود که خاطره‌ای از دیدار با پیامبر ذکر می‌کند بدین مضمون که امام حسن و حسین که کودک بودند، می‌خواستند بدانند که قوت کدام یک بیشتر است. پیامبر و امام علی از ترس اینکه یکی از آن دو کودک ناراحت شود داوری بین آن دو را به دیگری محول ساخت و در نهایت حضرت فاطمه و جبرئیل این مسأله را بدون دلگیری آن دو پایان می‌دهند. این ماجرا در مشهدالشهدا نیامده است و فقط اعتراض عبدالشمس به یزید به خاطر بی‌حرمتی به سر امام حسین آمده است.

ندایی در مشهدالشهدا بعد از رسیدن اهل بیت به مدینه و برپایی مراسم عزاداری توسط ام سلمه، انتقام‌خواهی مسیب خزاعی و قیام مختار را ذکر می‌کند اما کاشفی به ذکر عاقبت چند تن از لشکریان یزید می‌پردازد که هیچکدام روی

آسایش ندیدند و به خواری و خفت جان دادند و در انتهای کتاب به ذکر اولاد ائمه می پردازد.

به جز موارد فوق‌الذکر، بین دو کتاب در روایت ماجرا اختلافی وجود ندارد. موارد زیر نمونه‌هایی از بخش‌های مختلف دو کتاب است که نشان دهنده تأثیر حداکثری ندایی از روضه الشهداست:

### الف - کاشفی

«عبدالله بن زبیر از حسین پرسید که هیچ می‌دانی که ولید ما را چرا می‌طلبد. حسین گفت به خاطر من می‌رسد که حاکم شام مرده است! چه امشب در خواب دیدم که منبر او نگون‌سار شد و آتش در سرای او افتاد، حالا این خبر رسیده و می‌خواهند از ما بیعت بستانند. ابن زبیر گفت که اگر بر این نمط باشد تو چه خواهی کرد؟ امام حسین گفت: من می‌شنوم که خمار و زمار است و ما بقیه آل رسولیم چگونه جایز باشد که متابعت چنین کس کنیم...» (ص ۱۹۹).

### ب - ندایی منظوم کرده است (ابیات ۱۱۰۰-۱۱۰۸):

|                              |                              |
|------------------------------|------------------------------|
| گفت عبدالله زبیر به شاه      | که شدی هیچ از این طلب آگاه   |
| شاه گفتا مگر معاویه بمرد     | به پسر تاج و تخت خویش سپرد   |
| که شبش یافتم نگون منبر       | همچو دوزخ سراسر پر آذر       |
| بهر بیعت مرا طلب دارند       | به دل و جان از آن تعب دارند  |
| گفت عبداللهش که گر این حال   | واقعی باشد ای امام رجال      |
| می‌کنی بیعت یزید قبول        | گفت من پاکم و ز آل رسول      |
| می‌کنند این چنین از او اخبار | که به خمر است و زمر چون فجار |

### الف - کاشفی

«از عبدالله زبیر دست بازدارد که هر کجا رود سخط ما به وی خواهد رسید» (ص ۲۰۰).

### ب - ندایی (بیت ۱۱۹۲):

که به مکه گریخت عبدالله  
سخط ما به او رسد ناگاه

### الف - کاشفی

«چون امام حسین از این صورت آگاهی یافت صبر فرمود تا شب در آمد»  
(ص ۲۰۱).

#### ب - ندایی (بیت ۱۲۰۸):

روز مانده تنش به تاب و به تب      صبر فرمود تا در آمد شب

### الف - کاشفی

«پسر مهتر را گفت که تو چه می‌گویی؟ گفت: آنکه برادرم می‌گوید اگر چه راست است ولی نسیه است و آنچه پسر زیاد می‌دهد نقد و هیچ عاقل نقد را به نسیه ندهد و حاضر را بر غایب اختیار نکند» (ص ۲۶۳).

#### ب - ندایی (۳۶۷۲-۳۶۷۵):

|                           |                              |
|---------------------------|------------------------------|
| گفت گوید برادر اینها راست | لیک نسیه است و جای او عقباست |
| و آنچه ابن زیاد داد به ما | هست نقد و مقام او دنیا       |
| می‌کنیم اختیار دنیا را    | تا که یابد مال عقبا را       |
| نقد نزدیک و نسیه دور بسی  | ندهد نقد را به نسیه کسی      |

### الف - کاشفی

«پنجهزار کس بدو داد و به جانب کربلا گسیل کرد و چون از شهر بیرون آمد، یکی گفت یابن سعد! به حرب فرزند رسول خدا می‌روی؟ گفت: آری، اگرچه حرب حسین در دنیا موجب عار است و در آخرت موصل به نار اما حکومت ملک ری نیز سبب ذوق و حضور است و واسطه عیش و سرور»  
(ص ۲۶۳).

#### ب - ندایی (۳۶۸۲-۳۶۸۶):

|                            |                               |
|----------------------------|-------------------------------|
| پنج باره هزار آهن پوش      | اسب‌ها را نهفته سر تا گوش     |
| برد هم‌ره به کربلا با خویش | نه غم از دینش و نه بیم از کیش |
| دید در ره کسبش سر پر شین   | گفتی راضی شدی به خون حسین     |

گفت از جنگ او مرا عارست      زانکه دانم موصل نار است  
شهریاری ری حضور دل است      شاهد و جام می سرور دل است

### الف - کاشفی

«راوی گوید که هر که نظر بر سر مبارک امام حسین می انداخت، از هیبت و سطوت آن حضرت، بی هوش می گشت و آن سر در میان سرها چون ماه در میان ستارگان می درخشید» (ص ۳۶۴).

### ب - ندایی (۷۷۳۶-۷۷۳۷):

گفت راوی که هر که بر سر شاه      دور و نزدیک می فکند نگاه  
می شد از هیبت وز سطوت او      به زمین گویا ز شرم فرو

### الف - کاشفی

«نورالائمه آورده که پسر مسلم بعد از قتل پدر گریه کنان روی به میدان نهاد. امام حسین (ع) فرمود که ای جوان بازگرد که پدرت کشته شده و اگر تو نیز به قتل رسی مادرت ضایع ماند» (ص ۲۹۷).

### ب - ندایی (۴۹۱۲-۴۹۱۶):

کرد نورالائمه نقل چنان      که چو مسلم روانه شد به جنان  
پسر او ز دست خصم پدر      پا به میدان نهاد خاک به سر  
بی خبر گشته همچو باد روان      کرده از دیده خون چو آب روان  
شاه زد نعره کای جوان باز آی      پدر پیر کرده جنت جای  
مادر از بیکسی شود ضایع      گر نگردم ز کشتنت مانع

در جدول زیر موارد اشتراک و تفاوت های مشهد الشهدا با روضه الشهدا نشان داده شده است:

|             |             |   |
|-------------|-------------|---|
| مشهد الشهدا | روضه الشهدا | حکایات در مناقب امام حسین از ولادت آن حضرت و بعضی احوال وی بعد از برادر |
| -           | +           |   |

|   |   |  |
|---|---|--|
| - | + | اخبار شهادت امام حسین به پیامبر از زبان جبریل    |
| + | + | بیان فضایل امام حسین                             |
| + | + | مرگ معاویه و روی کار آمدن یزید                   |
| + | + | تلاش یزید برای گرفتن بیعت از امام حسین           |
| + | + | عزیمت امام حسین از مدینه به مکه                  |
| + | + | نامه های پی در پی کوفیان به امام                 |
| + | + | نامه امام حسین به کوفیان و اعزام مسلم بن عقیل به |
| - | + | کوفه ذکر داستان عداوت یزید با امام حسین          |
| - | + | ماجرای خواستگاری از همسر مطلقه ابن زبیر          |
| - | + | سخنی چند در ابتلای الهی و صبر و شکیبایی          |
| - | + | حکایتی از منصور حلاج                             |
| - | + | ماجرای دیدار عبدالله مبارک با امام سجاد          |
| + | + | حرکت مسلم بن عقیل به کوفه به همراه نامه امام     |
| + | + | حسین   |
| + | + | ورود مسلم به کوفه                                |
| + | + | عبیدالله زیاد والی کوفه می شود                   |
| + | + | جست و جوی مسلم در کوفه                           |
| + | + | یافتن مسلم در خانه هانی                          |
| + | + | سپردن مسلم فرزندان خود را به شریح قاضی           |
| + | + | بی وفایی کوفیان و تنهایی مسلم                    |
| + | + | رزم یکتنه مسلم با کوفیان                         |
| + | + | شرح شهادت مسلم                                   |
| + | + | جست و جو برای یافتن پسران مسلم                   |
| - | + | شرح شهادت پسران مسلم                             |
| + | + | اشاره به اخبار و روایات شهادت امام حسین          |
| + | + | حرکت امام حسین از مکه به کوفه                    |



|   |   |   |
|---|---|---|
| + | - | منع کردن ابن عباس امام را از رفتن به کوفه       |
| + | + | دبدار امام با ام سلمه قبل از حرکت به کوفه و ذکر |
| + | + | حدیث قاصد اروره                                 |
| + | + | دریافت خبر شهادت مسلم و ام هانی                 |
| + | + | لشکر حر جلوی حرکت امام را می گیرد               |
| - | + | توقف امام در کربلا                              |
| + | + | نامه نوشتن امام به سلیمان بن صرد و دستگیری      |
| + | + | قیس بن مسهر قاصد نامه                           |
| + | + | ماجرای منبر رفتن مسهر و لعن کردن ابن زیاد       |
| - | + | تلاش عبیدالله زیاد برای بیعت گرفتن از امام حسین |
| + | + | گفت و گوی امام حسین با عمر سعد                  |
| - | + | گفت و گوی امام با سپاهیان کوفه                  |
| - | + | خواب دبیدن حر                                   |
| - | + | شهادت حر بن یزید ریاحی با برادر و پسر و         |
| + | + | غلامش   |
| + | + | اتمام حجت امام با کوفیان و دادن سه پیشنهاد به   |
| + | + | آنان  |
| + | + | ماجرای لعن زنی به نام جعه در شب عاشورا          |
| + | + | گفتگوی امام با فرزندان مسلم در شب عاشورا        |
| + | + | شهادت زهیر بن حسان اسدی                         |
| + | + | شهادت عبدالله بن عمر کلبی                       |
| + | + | شهادت یریر بن حنظیر همدانی                      |
| + | + | شهادت وهب بن عبدالله کلبی                       |
| + | + | شهادت عمر بن خالد و پسرش                        |
| + | + | شهادت سعد بن حنظله تیممی                        |
| + | + | شهادت عمرو بن عبدالله مدحجی                     |

|   |   |                                 |
|---|---|---------------------------------|
| + | + | شهادت حماد بن انس               |
| + | + | شهادت وقاص بن مالک              |
| + | + | شهادت شریح بن عیید              |
| + | + | شهادت مسلم بن عوسجه             |
| + | + | شهادت پسر مسلم بن عوسجه         |
| + | + | شهادت هلال بن نافع بجلسی        |
| + | + | شهادت عبدالرحمن بن عبدالله یزنی |
| + | + | شهادت یحیی بن سلیم مازنی        |
| + | + | شهادت عبدالرحمن بن عروه         |
| + | + | شهادت مالک بن انس بن مالک       |
| + | + | شهادت عمرو بن مطاع              |
| + | + | شهادت قیس بن منبه               |
| + | + | شهادت هاشم بن عتبّه             |
| + | + | شهادت فضل بن علی                |
| + | + | شهادت حیب بن مظاهر              |
| + | + | شهادت حریره غلام                |
| + | + | شهادت یزید بن مهاجر جعفی        |
| + | + | شهادت انیس بن معقل اصبحی        |
| + | + | شهادت عباس بن شیب و غلام او     |
| + | + | شهادت حجاج بن مسروق جعفی        |
| + | + | شهادت سیف بن حارث               |
| + | + | شهادت مالک بن عبد سریع          |
| + | + | شهادت غلام تهرک                 |
| + | + | شهادت یزید بن زیاد              |
| + | + | شهادت حنظلّه بن سعد             |
| + | + | شهادت سعد بن عبدالله حنفی       |

|   |   |                               |
|---|---|-------------------------------|
| + | + | شهادت جناده بن حارث           |
| + | + | شهادت عمر بن جناده            |
| + | + | شهادت مره بن ابی مره          |
| + | + | شهادت محمد بن مقداد           |
| + | + | شهادت عبدالله بن ابی دجانسه   |
| + | + | شهادت قیس بن ریح              |
| + | + | شهادت اشعث بن سعد             |
| + | + | شهادت عمر بن قمرط             |
| + | + | شهادت حنظله                   |
| + | + | شهادت حماد                    |
| + | + | شهادت سعد                     |
| + | + | شهادت عبدالله بن مسلم بن عقیل |
| + | + | شهادت جعفر بن عقیل            |
| + | + | شهادت عبدالرحمن بن عقیل       |
| + | + | شهادت محمد بن عبدالله بن جعفر |
| + | + | شهادت عون بن عبدالله          |
| + | + | شهادت عبدالله بن حسن          |
| + | + | شهادت پیروزان غلام امام حسن   |
| + | + | شهادت قاسم بن حسن             |
| + | + | شرح عروسی و ناکامی قاسم       |
| + | + | شهادت ابوبکر بن علی           |
| + | + | شهادت عمر بن علی              |
| + | + | شهادت عثمان بن علی            |
| - | + | شهادت عون بن علی              |
| + | + | شهادت جعفر بن علی             |
| + | + | شهادت عبدالله بن علی          |

|   |   |  |
|---|---|--|
| + | + | شهادت عباس بن علی                              |
| + | + | شهادت علی اکبر حسین                            |
| + | + | روایت دیگر شهادت علی اکبر حسین                 |
| + | + | شهادت علی اصغر حسین                            |
| + | + | شرح شهادت امام حسین                            |
| + | + | سخنان امام در آستانه رزم                       |
| + | + | آمدن جنیان به یاری امام حسین                   |
| + | + | آغاز رزم امام با دشمنان                        |
| + | + | بازگشت امام از میدان رزم به خیم حرم            |
| + | + | وداع امام حسین با زین العابدین                 |
| - | + | وداع امام حسین با شهربانو                      |
| - | + | رزم دوباره امام با اشقیاء                      |
| - | + | سفارش امام در اوج نبرد                         |
| - | + | شهادت امام حسین                                |
| + | + | باریدن خون از آسمان و سرخ شدن و تاریک شدن جهان |
| + | + | روایات ثواب گریه و عزاداری برای امام           |
| - | + | حکایت ریان بن شیب و عمر لیث در عزاداری امام    |
| - | + | حکایت ناله و عزای درخت برای امام               |
| + | + | حکایت آمدن مرغان به کربلا و اندوه ایشان        |
| + | + | غارت خیمه ها                                   |
| + | + | در محنت اهل بیت پس از واقعه کربلا              |
| + | + | غارت خیمه حرم حسینی                            |
| + | + | عزاداری جنیان در کربلا                         |
| + | + | ماجرای گناهکاری که به خاطری غباری از کربلا     |

|   |   |  |
|---|---|--|
| + | + | آموزیده شده شد                                 |
| - | + | استارت اهل بیست                                |
| + | + | سرهای شهیدان و اهل بیت در کوفه                 |
| + | + | اهل بیت در مجلس ابن زیاد                       |
| + | + | اهل بیت و سرهای شهیدان در راه شام              |
| + | + | ورود اهل بیت به دمشق                           |
| + | + | گفت و گوی امام زین العابدین و مرد شامی         |
| + | - | سرهای شهیدان و اهل بیت در مجلس یزید            |
| - | + | اعتراض عبدالشمس مسیحی به یزید                  |
| - | + | ماجرای دیدار عبدالشمس با پیامبر                |
| - | + | سخنان امام زین العابدین در مسجد دمشق           |
| - | + | شهادت دختر چهارساله امام حسین در دمشق          |
| - | + | عزیمت اهل بیت از دمشق به مدینه                 |
| - | + | دفن سر امام حسین در کربلا                      |
| - | + | ورود اهل بیت به مدینه و سوگواری اهل مدینه      |
| - | + | ماجرای انتقام مسیب خزاعی و قیام مختار          |
| - | + | اخبار عقاب و عذاب قاتلان امام حسین             |
| - | + | کیفر کسانی که از شهادت امام حسین شاد شدند      |
| - | + | کیفر کسی از کسانی که آب از امام حسین باز       |
| - | + | داشتند   |
| - | + | کیفر کسی از کسانی که سر امام حسین بر فراز نیزه |
| - | + | داشتند   |
| - | + | کیفر هر که در شهادت امام حسین دست داشته        |
| - | + | است  |
| - | + | کیفر کسانی که در غارت خیمه ها دست داشته اند    |
| - | + | در اولاد سبطین و سلسله نسب ایشان               |

|   |   |  |
|---|---|--|
| - | + | فرزندان مرتضی‌علی                              |
| - | + | فرزندان امام حسن مجتبی‌ی                       |
| - | + | فرزندان زین‌بدر بن حسن                         |
| - | + | فرزندان حسن بن مثنی‌ی                          |
|   |   | فرزندان عبدالله بن محض                         |
|   |   | فرزندان ابرهیم عمر بن حسن مثنی‌ی               |
|   |   | فرزندان امام حسین و شهربانو                    |
|   |   | فرزندان امام زین‌العابدین علی بن حسین          |
|   |   | فرزندان امام محمد باقر                         |
|   |   | فرزندان امام جعفر صادق                         |
|   |   | فرزندان امام موسی کاظم                         |
|   |   | فرزندان عباس و هارون و اسحاق و اسماعیل و       |
|   |   | حسن پسران امام کاظم                            |
|   |   | فرزندان زیدالنار و عبدالله و عیبه و حمزه پسران |
|   |   | امام کاظم                                      |
|   |   | فرزندان علی و ابراهیم و محمد و جعفر پسران امام |
|   |   | کاظم   |
|   |   | فرزندان امام رضا                               |

### ۳- نتیجه‌گیری

پس از تألیف روضه‌الشهدا به وسیله حسین واعظ کاشفی به سال ۹۰۸ ه.ق. جریان مقتل نگاری فارسی تغییر می‌کند؛ هر چند روضه‌الشهدا به علت عدم استفاده از منابع معتبر دارای غلط‌های تاریخی فاحش است؛ اما سبک داستانی آن باعث شده است که از همان ابتدا مورد توجه واقع شود؛ به گونه‌ای که با گذشت ۲۰ سال از تألیف آن حسین ندایی یزدی آن را به نظم در می‌آورد و چندین بار به وسیله مترجم‌های مختلف به زبان ترکی ترجمه می‌شود. بعد از روضه‌الشهدا اغلب مقتل‌های فارسی از آن تأثیر پذیرفتند. پس از مقایسه روضه‌الشهدا و مشهدالشهدا

مشخص گردید که در بیشتر موارد ندایی یزدی در سرودن مشهدالشهدا از چهار چوب روضه‌الشهدا خارج نشده است؛ به گونه ای که در بعضی موارد، گویی ندایی واژه های کاشفی را در بحر خفیف (بحر مشهد الشهدا) به نظم کشیده است؛ اما با این وجود بعضی از داستان های نقل شده در روضه الشهدا را نادیده گرفته است؛ همچنین در پژوهش های صورت گرفته در حوزه مقتل های فارسی و روضه‌الشهدا از این کتاب به عنوان نخستین مقتل فارسی یاد می شود که در این مقاله با یاد کرد «شهادت نامه» ابن همام شیرازی به عنوان قدیمی ترین مقتل موجود فارسی به نادرستی این نظریه اشاره شد.

### فهرست منابع

- ۱- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۲)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت.
- ۲- افندی، میرزا عبدالله. (۱۴۰۱)، *ریاض العلماء و حیاض الفضلا*، ترجمه محمد باقر ساعدی، آستان قدس رضوی، مشهد.
- ۳- اوحدی بلیانی، تقی الدین محمد بن محمد. (۱۳۸۸)، *تذکره عرفات العاشقین*، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، اساطیر.
- ۴- جعفریان، رسول. (۱۳۸۷)، *تاملی در نهضت عاشورا*، نشر علم.
- ۵- حکیم، متخلص به محمد تقی خان. *گنج دانش*، چاپ سنگی، بی تا، بی نا.
- ۶- خاضع، اردشیر. (۱۳۴۱)، *تذکره سخنوران یزد*، با پیشگفتار سعید نفیسی و محمد دبیرسیاقی، کتابفروشی خاضع بمبئی.
- ۷- آذر بیگدلی، خان بیگدلی شاملو. (۱۳۶۶)، *آتشکده آذر*، تصحیح و تحشیه و تعلیق حسن سادات ناصری، چاپخانه حیدری.
- ۸- خزانه دارلو، محمد علی. (۱۳۷۵)، *منظومه های فارسی قرن ۹ تا ۱۲*، انتشارات روزنه.
- ۹- علی ابراهیم، خلیل، *صحف ابراهیم*. میکروفیلم شماره ۸۰۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۱۰- خواند میر، غیاث الدین. (۱۳۳۳)، *حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، انتشارات خیام، تهران.
- ۱۱- علیقلی واله، داغستانی. (۱۳۸۴)، *تذکره ریاض الشعرا*، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، ۵جلد، نشر اساطیر.

- ۱۲- دوری هروی، بایزید. (۱۳۸۱)، **تذکره مجمع الشعراء**، پایان نامه دکتری سید نکهت فردوس در دانشگاه تهران.
- ۱۳- رازی، امین احمد. (۱۳۷۸)، **تذکره هفت اقلیم**، تصحیح، تعلیقات و حواشی سید محمد رضا طاهری، حسرت، انتشارات سروش.
- ۱۴- روملو، حسن بیگ. (۱۳۵۷)، **احسن التواریخ**، تصحیح عبدالحسین نوایی، انتشارات بابک، تهران.
- ۱۵- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۴)، **سیری در شعر فارسی**، سخن.
- ۱۶- شاملو، ولی قلی بن داودقلی. (۱۳۷۱)، **قصص الخاقانی**، تصحیح و پاورقی سید حسن سادات ناصری، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۷- شیرازی، ابن همام. **کلیات**، نسخه خطی به شماره ۲۶۵۴ متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۱۸- صاحبی، محمد جواد. (۱۳۷۵)، **مقتل و مقتل نگاری**، انتشارات کیهان.
- ۱۹- صفوی، سام میرزا. (۱۳۸۴)، **تذکره تحفه سامی**، تصحیح و تحشیه از رکن الدین همایون فرخ، انتشارات اساطیر.
- ۲۰- صفوی، شاه طهماسب. (۱۳۸۳)، **تذکره شاه طهماسب**، تصحیح کریم فیضی، انتشارات مطبوعات دینی، قم.
- ۲۱- صنیع الدوله، محمد حسن خان (اعتماد السلطنه). **مطلع الشمس**، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، بی تا.
- ۲۲- فتوحی یزدی، عباس. (۱۳۷۳)، **تذکره شعرای یزد از آغاز تا عصر صفوی**، ناشر: مولف.
- ۲۳- فرخ، محمود. (۱۳۴۶)، **سفینه فرخ**، کتابفروشی زوار مشهد.
- ۲۴- کاشفی، کمال الدین حسین بن علی. **روضه الشهداء**، تصحیح ابوالحسن شعرانی، اسلامیه، بی تا.
- ۲۵- ..... (۱۳۷۵)، **لب لباب مثنوی**، تصحیح سید نصرالله تقوی، اساطیر.
- ۲۶- مجاهدی، محمدعلی. (۱۳۸۶)، **پژوهشی در مقتل های فارسی**، نشر زمزم هدایت، قم.
- ۲۷- محجوب، محمد جعفر. (۱۳۸۲)، **ادبیات عامیانه ایران**، مجموعه مقالات درباره افسانه ها و آداب و رسوم مردم ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری، نشر چشمه، تهران.
- ۲۸- مستوفی بافقی، محمد مفید. (۱۳۴۰)، **جامع مفیدی**، به کوشش ایرج افشار، انتشارات کتابفروشی اسدی، تهران.
- ۲۹- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴)، **حماسه حسینی**، انتشارات صدرا.



- ۳۰- مصباحی نایینی، محمد علی (متخلص به عبرت). (۱۳۷۶)، **تذکره مدینه الادب**، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۳۱- منزوی، احمد. ۱۳۷۶، **فهرستواره کتاب‌های فارسی**، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مجلد سوم.
- ۳۲- میرزا محمد باقر، موسوی خوانساری. (۱۳۹۱)، **روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات**، نشر اسماعیلیان.
- ۳۳- مولوی، محمد مظفر حسین صبا. (۱۳۴۳)، **تذکره روز روشن**، تصحیح محمد حسین رکن زاده آدمیت، انتشارات کتابخانه رازی.
- ۳۴- میر دوستی. **تذکره الخوانین**، نسخه خطی به شماره ۲۴۳۱ موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۳۵- نصرآبادی، محمد طاهر. (۱۳۷۸)، **تذکره نصرآبادی: تذکره الشعراء**، مقدمه، تصحیح و تعلیقات از محسن ناجی نصرآبادی، اساطیر.
- ۳۶- نفیسی، سعید. (۱۳۶۳)، **تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری**، انتشارات فروغی.
- ۳۷- علیشیر، نوایی. (۱۳۶۳)، **مجالس النفائس**، ترجمه شاه محمد قزوینی و محمد فخری هراتی، تصحیح علی اصغر حکمت، انتشارات منوچهری.
- ۳۸- نورالحسن خان بن محمد صدیق خان. **نگارستان سخن**، در مطبع شاه جهانی جلوه‌افروز، چاپ سنگی، بی تا.
- ۳۹- نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۳۷۱)، **لولو و مرجان**، در **آداب اهل منبر**، انتشارات طباطبایی، قم.
- ۴۰- هروری، فخری. (۱۳۴۵)، **روضه السلاطین**، تصحیح و تحشیه عبدالرسول خیام پور، موسسه تاریخ و فرهنگ ایران، تبریز.